

جلوه‌های عینی قرآن کریم در اشعار صائب تبریزی

محمد حجت*

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۲

جلال ایرانمنش**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

در مقاله پیش رو برخی اشعار صائب تبریزی که در آن‌ها جلوه‌های عینی آیات قرآن کریم ملاحظه می‌شود، از منظر خوانندگان می‌گذرد. برای حصول به این هدف، ابیاتی از دیوان شاعر یادشده که به طور قطع و یقین، از آیه‌های گهربار قرآن کریم سرچشمه گرفته، از دیوان صائب استخراج، سپس آیه‌های مورد نظر به آن‌ها افزوده، سرانجام به بررسی و تحلیل هر یک اقدام شده است. تردیدی نیست که هدف اصلی نگارندگان از تحقیق پیش رو، نشان دادن ویژگی‌های قرآنی ابیاتی است که علاوه بر آراستگی، سبب تقویت و استحکام اشعاری شده که شاعر، با بهره‌گیری از آیات و استناد به آن‌ها به غرض خود که همانا تقویت و تأیید دیدگاه خویش بوده دست یافته است. نتیجه آنکه بررسی موارد یادشده تأثیر قرآن کریم را بر اشعار شاعران سبک هندی خصوصاً صائب تبریزی به اثبات خواهد رساند.

کلیدواژگان: تأثیرپذیری قرآنی، شعر، سبک هندی، صائب تبریزی.

مقدمه

شعر فارسی در ادوار مختلف، همواره تحت تأثیر دانش‌های غنی اسلامی و در رأس آن، قرآن کریم بوده است و کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که در دیوان اشعارش، تلمیحی به آیات قرآنی نداشته، یا اقتباس و تضمینی از آن‌ها بر نگرفته باشد. رودکی قدیمی‌ترین شاعر سبک خراسانی، بیش از یک هزار سال پیش، داستان یوسف را در شعر خود با استناد به قرآن کریم و در قالب تلمیح به زیبایی بیان کرده است:

نگارینا شنیدستم که وقت محنت و راحت سه پیراهن سلب بودست یوسف را به عمر اندر
یکی از کید شد پر خون، دوم شد چاک از تهمت سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر
(رودکی، ۱۳۶۹: ۱۹)

این شیوه بعدها در دوره عراقی به اوج خود رسید و از سوی شعرای مسلمانی که بیش تر عارف مسلک بودند ادامه یافت. سنایی غزنوی، عطار، مولوی، شیخ اجل سعدی، خواجه حافظ شیرازی و بسیاری دیگر از شعرای آن دوره همگی نمونه‌های بارزی هستند که اندیشه خود را با استناد به آیات و روایات، در دواوین شعری خود، بارور نمودند. این تأثیرپذیری در دوره عراقی آنقدر توسعه یافت که تبدیل به ویژگی مهم سبکی در شعر آن زمان گردید (نقل به مضمون از شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۰۱-۲۰۰).

سعدی در «بوستان» با نظر به آیه *فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ* (ضحی / ۹) ابیاتی زیبا سروده است:

یتیم ار بگرید که نازش خرد و گر خشم گیرد که بارش برد
الا تا نگرید که عرش عظیم بلرزد همی چون بگرید یتیم
(سعدی شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۶۰)

حافظ در دیوان اشعارش، از آیات قرآن کریم بهره‌ها برده است. یکی از نمونه‌های این کاربرد در بیت زیر آمده است:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند
(حافظ، ۱۳۶۸: ۱۳۱)

بیت بالا تلمیح به آیه‌ای از سوره احزاب دارد که می‌فرماید:

﴿نَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب/ ۷۲)

نمونه‌های بالا مشتق از خروار بود. بی شک در ابیات شعرای مذکور به طور اخص و در بسیاری از شعرای سبک عراقی به طور اعم، مثال‌های فراوانی می‌توان ملاحظه کرد که در این مقدمه مختصر از بیان آن‌ها صرف نظر می‌شود. صائب تبریزی این شاعر سبک هندی، در دیوان بزرگ خود، بیش‌ترین توجه را به آیات و احادیث معطوف نموده است. صدها بیت شعر در دیوان او یافت می‌شود که تحت تأثیر مستقیم آیات قرآنی است. این تأثیرپذیری در دیوان صائب در اشکال ذیل قابل بررسی است:

۱. ابیاتی که بیانگر حکمی قرآنی یا فرمانی اسلامی است، و شاعر با استعانت از آن‌ها سعی در آگاهی بخشیدن به خوانندگان داشته است.

۲. بیت یا مجموعه‌ای از ابیات که بر داستان یا حکایتی قرآنی دلالت دارد. زیباترین نمونه از این نوع کاربرد مربوط به داستان حضرت یوسف(ع) است که سراینده، در طول دیوان شعر خود، به طور مفصل به جزئیات داستان اشاره کرده و هیچ نکته‌ای از آن را از قلم نینداخته است.

چنانکه از عنوان این مقاله پیداست و در چکیده نیز به آن اشاره شد، نگارنده در پی آن است که ابیات دیوان صائب را از منظر آیات قرآن کریم، مورد کنکاش قرار داده و تا آنجا که میسر است، گویاترین و بارزترین ابیات را که بدون کم‌ترین شک، برگرفته از آیه‌های گهربار قرآنی بوده، از میان سایر اشعار گزینش کرده و همراه با توضیح دقایق، ارتباط کامل میان بیت و آیه را در آن‌ها بازگو نماید.

پیشینه تحقیق

درباره صائب، اندیشه، آثار و سبک و اشعار او تألیفات فراوانی نوشته شده است؛ از جمله دیوان اشعار وی که به کوشش محمد قهرمان گردآوری شده است؛ یا گزیده اشعارش که نمونه آن دویست و یک غزل از صائب به کوشش امیربانو کریمی است. در خصوص بررسی و تحلیل اشعار صائب از دیدگاه دینی نیز، حجت در کتاب «آموزه‌های دینی در شعر شاعران سبک هندی»، فصلی کامل را به شرح ابیات صائب

اختصاص داده است. اما موضوع مقاله پیش رو، جلوه‌های عینی قرآن کریم در شعر شاعر یادشده است که تا کنون پژوهشی نظیر آنچه نگارندگان در این اثر انجام داده‌اند، صورت نپذیرفته است.

سؤالات تحقیق

در مقاله پیش رو موارد ذیل به عنوان سؤالات تحقیق در نظر گرفته شده است:

۱. آیا صائب در اشعار خویش به مسائل اسلامی توجه ویژه داشته است؟
۲. نقش قرآن کریم و جلوه‌های عینی آن در دیوان صائب چگونه قابل بررسی است؟
۳. آیا این جلوه‌های عینی در شعر شاعر یادشده فراگیر است یا به موارد محدودی خلاصه می‌شود؟

گذری بر زندگی و سبک شعر صائب تبریزی

میرزا محمد علی، پسر میرزا عبد الرحیم تبریزی اصفهانی (معروف به صائب) از استادان بنام شعر فارسی در دوره صفوی در سال ۱۰۰۰ یا ۱۰۰۷ ق در تبریز متولد شد (کریمی، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۰). خاندان او در اصل، تبریزی و از اعقاب شمس‌الدین محمد شیرین مغربی تبریزی، شاعر بزرگ قرن هشتم و نهم بود، ولی ولادت او در تبریز روی داد. صائب در شهر تبریز پرورش یافت و به یقین، آنچه را از علوم ادبی، نقلی و عقلی که بایست فرهیختگان زمان بود، نزد بزرگان فرا گرفت. او خطاطی را نیز نزد عمویش، شمس‌الدین تبریزی، آموخت.

صائب در اوان جوانی به مکه و مدینه سفر کرد. از سایر مسافرت‌های وی، سفر به مشهد و نیز سفری تجاری به هندوستان است. تاریخ وفات این شاعر گرانقدر، در سال ۱۰۸۷ ق ذکر شده و مزار او در شهر اصفهان است.

شهرت اصلی این شاعر مسلمان شیعی مذهب، در شعر و شاعری است. به اعتقاد برخی از تذکره نویسان، او شعر را نزد حکیم رکنای مسیح و حکیم شفایی آموخته است. صائب مانند بسیاری از شاعران دیگر، اهل مدیحه سرایی بود. از جمله ممدوحان او، افرادی چون ظفر خان، شاه جهان و شاه عباس دوم هستند. او از شعرایی است که

هم‌زمان در ایران، هند و روم از شهرتی خاص برخوردار بود. این توانایی و اشتها، ناشی از ابداعات بی نظیر و به دور از تقلید اوست. دیوان شعر صائب، مشتمل بر قصیده، غزل و مثنوی است. مجموعه ابیات او را تا بیش از دویست هزار ذکر کرده‌اند که این عدد، کمی به مبالغه نزدیک است و گرنه دیوان شعری او، حدود هشتاد هزار بیت دارد.

قصیده‌های صائب از زیبایی چندانی برخوردار نیست. این اشکال تنها بر قصاید او وارد نیست، بلکه طبیعت سبک هندی با این قالب شعری، مناسبت چندانی ندارد؛ اما آنچه از شعرش، مایه شهرت وی گردیده، غزل است که بخش عمده دیوان او را تشکیل می‌دهد، این توجه ویژه به غزل، همچون مورد قبل ناشی از خصوصیت سبک هندی است، تا آنجا که گروهی از منتقدان، غزل را نفس سبک هندی دانسته و از شعرای این دوره به عنوان موفق‌ترین غزل‌سرایان تاریخ ادبیات شعر فارسی یاد کرده‌اند.

آنچه مسلم است صائب در غزل‌سرایی ید طولایی داشته و با آنکه غزلیات بسیاری سروده، کلامش هیچ ایرادی ندارد. غزل او سرشار از فصاحت، لطافت و خیالات باریک است. در غزل صائب، کم‌تر بیتی را می‌توان یافت که متضمن مثل‌های سائر نباشد، به همین دلیل ادبا شیوه خاص وی را تمثیل دانسته‌اند. از ویژگی دیگر در غزل‌های وی، نکات دقیق حکمی، اخلاقی، عرفانی و اجتماعی در حدّ وفور است (صفا، ۱۳۷۱: ۱۲۷۹).

مهم‌ترین ویژگی سبکی شعر صائب، که هدف اصلی نگارنده در تدوین این مقاله را صورت داده، تأثیرپذیری از قرآن کریم است. او که شاعری مسلمان و شیعه بود و در سبک هندی سخن‌سرایی می‌کرد، در هنگام ارائه اشعار خود هر جا که محتاج ارائه دلایل مستدل و ساطع بوده، از آیات قرآنی مدد گرفته و با استمداد بدان‌ها، حجّت را بر همگان تمام کرده است. این قضیه سبب شده تا شعر حکمی و اخلاقی او که مزین به آیات و روایاتی است که براهین او را به اثبات می‌رساند، مورد پذیرش مخاطبین قرار گیرد.

بحث

صائب بی‌گمان شاعری است که اندیشه‌های خود را با توسّل به کلام الهی، در ابیات شعرش جاری و ساری کرده؛ افکار لطیفی که پس از گذشت چند قرن، هنوز به صورتی بکر و بی نظیر برای مخاطبین اشعارش به یادگار مانده است.

تردیدی نیست که مطالعه دیوان این شاعر نامی بدون پرداختن به جنبه‌های قرآنی آن، امری ناقص است. مگر می‌توان شعر صائب را بررسی کرد و از پرداختن به مبحث مورد اشاره صرف نظر نمود، در حالی که در بسیاری از ابیات دیوان او، تأثیر مستقیم آیات و روایات اسلامی را می‌توان مشاهده کرد. تغافل از این امر سبب انحراف مخاطب از درک معنای راستین اشعار وی خواهد شد. بی‌گمان استحکام و اعتبار آن ابیات، به همین مقوله وابسته است. قبل از ورود به مبحث اصلی، بیان این نکته حائز اهمیت است که صائب با آشنایی کامل از قرآن کریم و علم الحدیث، آن‌ها را بسیار بجا به کار برده است. جالب است که او از میان سوره صد و چهارده‌گانه قرآن کریم، احسن القصص، یعنی سوره یوسف را به طور مفضل در دیوان خود، مورد توجه خاص قرار داده است. در تحقیق مفصلی که یکی از نگارندگان (حجت) در یک طرح پژوهشی از دیوان صائب انجام داده، از میان ابیات فراوان دیوان که همگی از سوره مورد اشاره، تأثیر گرفته‌اند، می‌توان تمامی داستان یوسف (ع) را از ابتدا تا سرانجام دریافت. اینک پس از یادآوری موارد فوق، نمونه‌هایی چند از ابیات دیوان صائب تبریزی که در آن‌ها تأثیرپذیری از آیات قرآنی یافت می‌شود، از میان صدها مورد از این نوع، ذکر خواهد شد. آنگاه همان‌طور که در مقدمه از نظر گذشت، آیه مورد نظر، همراه با توضیحات مربوط، برای اطلاع بیشتر خوانندگان، ارائه خواهد شد.

۱. امر به معروف و نهی از منکر

کسی که عیب تو را پیش دیده بنگارد
ببوس دیده او را که بر تو حق دارد
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۴۷۲)

بیت بالا تلمیحی است به آیه ۷۱ از سوره توبه:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

«مردان و زنان باایمان، ولی (یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از

منکر می‌کنند» (توبه/۷۱)

شاعر در بیت مورد اشاره، با الهام پذیرفتن از آیه مزبور، به اهمیت مقوله امر به معروف و نهی از منکر که در اسلام بسیار مورد تأکید واقع گردیده، پرداخته و از

مخاطبین می‌خواهد که در برابر آن، نه تنها موضع منفی نگیرند، بلکه سپاسگزار دوستان مؤمنی باشند که عیب آن‌ها را متذکر شده و آن‌ها را از ارتکاب به اعمال ناپسند بر حذر می‌دارند.

۲. انابت و توبه

می‌کند اشک ندامت پاک دل را از گناه نیست از دوزخ غمی تادیده پر نم بجاست
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۳۱۴)

بیت بالا به آیه ۹۰ از سوره هود تلمیح دارد:

﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾

«و از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاهش توبه و انابه کنید که او بسیار مشفق و مهربان است» (هود/۹۰)

همچنین به آیه:

﴿اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ﴾

«و خدا هر که را که بخواهد به سوی خود برمی‌گرداند و هر که را به درگاه او به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌کند» (شوری/۱۳)

شاعر در بیت فوق با استناد به قرآن کریم، چنین متذکر می‌شود که استغفار، توقف در مسیر گناه و شست‌وشوی خویشتن و توبه، بازگشت به سوی اوست که وجودی بی‌انتهاست. او دیده اشکبار حاصل ندامت را جلا دهنده دل آلوده به گناه، و رهایی دهنده آدمی از آتش پر لهیب جهنم می‌داند. از این دست ابیات که متأثر از آیات مورد اشاره است، در دیوان صائب فراوان یافت می‌شود. از جمله:

این تخم توبه که تو در خاک کرده‌ای موقوف آبیاری اشک ندامت است
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۳۱۰)

عاصی را که سرو کار به دوزخ باشد در بهشت است اگر دیده پر نم دارد
(همان: ۳۱۴)

می‌توانی دوزخ خود را بهشتی ساختن کوثر نقدی ز چشم اشک بارت داده اند
(همان: ۴۵۸)

۳. آرامش در محضر انسان کامل

ساکن کشتی نوحم ز سبکباری خویش چون خس و خارز طوفان خطری نیست مرا
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۳۵)

تلمیح به آیه ۷۳ سوره یونس:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ﴾

«اما آن‌ها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشین (و وارث کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و به انذار الهی اهمیت ندادند)، چگونه بود!»

در بیت بالا شاعر سبکباری و رهایی دل را در سپردن خود به فرمان نوح می‌داند. طبیعی است که نتیجه چنین نگرشی نجات و رستگاری است. هر آینه قرار گرفتن در حریم مردان خدا و خویشان را در سایه لطف الهی قرار دادن، آدمی را از همه بلاها و مصیبت‌ها محفوظ می‌دارد. شاعر در بیت فوق از تلمیح به آیه مزبور بهره برده است.

۴. پرهیز از خرد شمردن گناهان

خُرد مشمار گنه را که گناهی است بزرگ گندمی کرد ز فردوس برین آدم را
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۱۱۰)

درین بساط من آدم گنه کارم که فکر دانه بر آورد از بهشت مرا
(همان: ۱۷۲)

ابیات یادشده تلمیح دارد به آیات ۳۵ و ۳۶ سوره بقره:

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ
فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

«و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد»

﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾

«پس شیطان موجب لغزش آن‌ها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آن‌ها گفتیم: همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره‌برداری خواهد بود» (بقره/ ۳۶ و ۳۵)

۵. حُسن دیدار محبوب

از در و دیوار جانان حسن می‌ریزد تمام زان زلیخا را بود نظاره زندان لذید
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۶۲۶)

بیت بالا تلمیح به آیه ۳۵ سوره یوسف دارد:

﴿ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنَّتَهُ حَتَّىٰ حِينٍ﴾

«و بعد از آنکه نشانه‌ها را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدتی زندانی کنند»
با آنکه دلایل روشن و پاکدامنی و عصمت یوسف را دیدند باز چنین صلاح دانستند که او را چندی زندانی کنند و به حبس بفرستند. «پس زلیخا پیش عزیز مصر رفت، گفت: بدان که من از بهر این غلام کنعانی همی بدنام گردم و هر کس که از این چیزی بر او یاد کند، او همی گوید که گناه زن را بودست و من همی بدنام گردم، باید که او را یک چندی به زندان کنی ... و چون یوسف به زندان اندر شد، خدای را شکر کرد، پس گفت: یا رب! تو این زندان بر من آسان گذار، که تو دانی که من این زندان دوست دارم، از خواندن آن زن مرا به حرام و به زندان اندر، تعهد همی کرد و نیز زندانبان را تعهد کرد، گفتند: این غلام چه کردست؟ گفتند: بی حرمتی کردست اندر خانه عزیز مصر» (طبری، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۷۸۰).

۶. دوری از قضاوت دیگران

چون به میزان قیامت همه را می‌سنجند بهر سنجیدن مردم تو چه میزان شده‌ای
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۸۴۰)

بیت بالا و ابیات زیرین توضیحات به آیات ۷ و ۸ سوره زلزله اشاره دارد:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾

«پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند و هر کس

هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند»

«... از کلیت ارائه اعمال هیچ عملی نه خیر و نه شر و نه کوچک و نه بزرگ حتی به سنگینی ذره استثناء نمی‌شود و نیز حال هر یک از صاحبان عمل خیر و عمل شر را در یک جمله مستقل بیان نموده، جمله را به عنوان یک ضابطه و قاعده کلی ذکر می‌فرماید» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۷۹۰).

از منظر صائب تبریزی، در حالی که خداوند عادل، کوچک‌ترین اعمال انسان را با ترازوی عدالت خویش می‌سنجد، آدمی را چه رسد که خویشتن را در مقام داوری یا قضاوت دیگران قرار دهد.

۷. رضایت در حضور جانان

هر که راه گفت‌وگو در پرده اسرار یافت چون کلیم از لن ترانی لذت گفتار یافت

(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۲۵۳)

بیت بالا اقتباسی است از آیه:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ انزُرْنِي مَعْلَمًا ۚ وَارْتَبِطْ بِرَبِّكَ فَلَنْ نَنسِيَكَ ۗ إِنَّكَ كَانْتَ تَرَائِبًا﴾

«و چون موسی (با هفتاد نفر از بزرگان قومش که انتخاب شده بودند به وقت معین) به وعده‌گاه ما آمد و خدا با او سخن گفت، موسی عرض کرد که خدایا خود را به من بنما که تو را مشاهده کنم، خدا پاسخ داد که مرا تا ابد نخواهی دید» (اعراف/۱۴۳)

در ادامه آیه از تجلی الهی بر کوه و انفجار آن، و مدهوش شدن موسی، سخن به میان آمده است. همه این موارد، نه تنها موسی را ناامید نکرد که سبب دلگرمی و علاقه بیش‌ترش، به پروردگار مهربان گردید. شاعر، مقصود و هدف اصلی خود را از سرودن بیت، با بهره‌گیری از آیه مورد اشاره، هنرمندانه بیان نموده است. همانا کسی که محرم اسرار الهی شد، هرچه از دوست می‌رسد برایش نیکو و لذتبخش است.

در دیوان صائب ابیات دیگری با استناد به آیه فوق وجود دارد که در این مختصر تنها به یک نمونه از آن بسنده می‌شود:

تجلی سنگ را نومید نگذاشت مترس از دورباش کن ترانی
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۸۷۳)

۸. روزی مقسوم

مقوس کرد بار روزی ما آسمان‌ها را دل آگاه در اندیشه روزی چرا باشد
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۳۹۵)

بیت بالا تلمیحی است به آیه ۶ از سوره طلاق:

﴿وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾

«و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!»

روزی در دست خداست و هر کس از خوان قسمت برمی‌خورد. لطف پروردگار روزی رسان بی‌دریغ است که «دل آگاه» نباید در اندیشه روزی خود باشد.

۹. سرنوشت مدعیان مغرور

ازین سیاه دونان به اهل دل بگذر که کعبه چاره اصحاب فیل می‌داند
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۴۵۹)

بر خود مناز که این مشت بال و پر در هم شکست شوکت اصحاب فیل را
(همان: ۹۰۹)

ابیات بالا به آیات ۲ تا ۴ سوره فیل تلمیح دارد:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنْ دُونِهَا أَنْجَاةً فَذَلِكُمْ فِي الْغَيْبِ﴾

«آیا نقشه آن‌ها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟!»

﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾

«و بر سر آن‌ها پرندگانی را گروه گروه فرستاد»

﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ﴾

«که با سنگ‌های کوچکی آنان را هدف قرار می‌دادند»

«در این سوره به داستان اصحاب فیل اشاره می‌کند که از دیار خود به قصد تخریب کعبه معظمه حرکت کردند، و خدای تعالی با فرستادن مرغ ابابیل و آن مرغان با باراندن کلوخ‌های سنگی بر سر آنان هلاک‌شان کردند، و به صورت گوشت جویده‌شان نمودند، و این قصه از آیات و معجزات بزرگ الهی است که کسی نمی‌تواند انکارش کند، برای اینکه تاریخ نویسان آن را مسلم دانسته، و شعرای دوران جاهلیت در اشعار خود از آن یاد کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۸۳۰).

۱۰. قیامت

دیدگاه صائب درباره مبحث قیامت در ابیات ذیل دیده می‌شود.

الف. آسودگی در قیامت، نتیجه سربلندی از آزمایشات سخت دنیوی

اشک خونین آب صحرای قیامت می‌شود محنت امروز فردا جمله راحت می‌شود
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۶۲۴)

بیت تلمیحی دارد به آیات ۵ و ۴ سوره شرح:

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

«و آوازه تو را بلند ساختیم! (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است»

این عمل خدای تعالی مانند همه اعمالش بر طبق سنتی بوده که در عالم به جریان انداخته، و آن این است که همیشه بعد از هر دشواری سهولتی پدید می‌آورد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۷۳۱-۷۳۰).

ب. حقیقت قیامت

عرصه محشر گریزگاه ندارد راز دل عاشقان ز سینه عیان است
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۵۹۱)

ستاره سوخته عشق را پناهی نیست در آفتاب قیامت گریزگاهی نیست
ابیات یاد شده تلمیح به آیات ۱۰ و ۱۱ سوره قیامه دارد:

﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُوكِ كَلَّا لَا وَزَرَ﴾

«آن روز انسان می‌گوید راه فرار کجاست، هرگز چنین نیست»

راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد «عرصه محشر» گریزگاهی ندارد و معصیت کار نمی‌تواند از «آفتاب قیامت» فرار کند. «آری انسان‌های کافر و گنهکار که روز قیامت را تکذیب می‌کردند آن روز از شدت خجالت و شرم پناهگاهی می‌جویند، و از سنگینی بار گناه و ترس از عذاب راه فرار می‌طلبند، درست همانند این دنیا که وقتی مواجه با حادثه خطرناکی می‌شدند دنبال راه فرار می‌گشتند آنجا را نیز به اینجا قیاس می‌کنند! ولی به زودی به آن‌ها گفته می‌شود: هرگز چنین نیست راه فرار و پناهگاهی در اینجا وجود ندارد (کَلَّا لَا وَزَرَ)» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۲۸۹).

ج. شرمساری در قیامت

هر که امیدش به عصیان کم‌تر از طاعت بود می‌برد روز قیامت شرمساری بیش‌تر
(صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۶۴۰)
چه بامن می‌تواند کرد صائب آتش دوزخ چون آب از خجالت زشتی اعمال می‌گردد
(همان: ۷۲۳)

بیت بالا اشاره‌ای است به آیه ۴۴ سوره معارج:

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُمَهُمْ ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾

«در حالی که چشم‌هایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده‌ای از ذلت و خواری آن‌ها را پوشانده است! این همان روزی است که به آن‌ها وعده داده می‌شد!»

«آری این همان روز موعود است که آن را به باد مسخره گرفتند، و گاه گفتند: به فرض که چنین روزی در کار باشد وضع ما در آن روز از مؤمنان بهتر است، ولی آن روز از شدت ترس و شرمساری جرأت ندارند سر برآورند، گرد و غبار بر سر و روی آن‌ها

نشسته، و در هاله‌ای از غم و اندوه فرو رفته‌اند، مسلماً آن روز نادم و پشیمان می‌شوند اما چه سود؟» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۵۰)

صائب با تأثیر از این آیه قرآنی، دوزخیان را «سر به پیش افکنده»، ترسان و شرمسار می‌داند.

د. قیامت، عید عاشقان

در دفتر معامله ما خلاف نیست امروز روز عید ماست که روز حساب ماست (صائب تبریزی، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

بیت فوق تلمیح به آیات ۷ تا ۹ سوره انشقاق دارد:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا سَيِّئًا ۖ وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾

«پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود به زودی حساب

آسانی برای او می‌شود، و خوشحال به اهل و خانواده‌اش بازمی‌گردد»

شاعر روز عید عاشقان را روز رسیدگی به حساب‌ها می‌داند. او معتقد است که چون در کارهای دنیایی آن‌ها خلاقی وجود ندارد ترسی از روز محشر ندارند و شادمان خواهند بود.

«این‌ها کسانی هستند که در مدار اصلی آفرینش در همان مسیری که خداوند برای این انسان و سرمایه‌ها و نیروهای او تعیین کرده حرکت می‌کنند و تلاش و کوشش آن‌ها همواره برای خدا، و سعی و حرکت‌شان به سوی اوست، در آنجا نامه اعمال‌شان را به دست راست‌شان می‌دهند که این نشانه پاکی عمل و صحت ایمان و نجات در قیامت و مایه سرفرازی و سربلندی در برابر اهل محشر است» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۰۲-۳۰۱).

نتیجه بحث

آنچه از منظر گذشت، نگاهی اجمالی بر دیوان صائب تبریزی، با تأکید بر جلوه‌های عینی قرآن کریم در اشعار این شاعر بود. هر آینه با جست‌وجو در اشعار صائب می‌توان صدها نمونه نظیر ابیات موجود در این نگاره یافت که با الهام از آیات قرآن کریم سروده شده است. بی‌شک با بررسی همین تعداد اشعار نیز به خوبی می‌توان دریافت که آگاهی

صائب نسبت به قرآن کریم و آیات برگزیده آن، تا چه اندازه است؟ ضمن آنکه هوشمندی صائب نیز در استفاده بهینه از آیات، به اشکال مختلف، نظیر تلمیح، اقتباس، اشاره و ... در خور تقدیر است. با بررسی اشعار یاد شده در این پژوهش، به روشنی می‌توان دریافت که صائب تبریزی برای نیل به اهداف خویش و اثبات اندیشه‌هایش متمسک به قرآن کریم و آیات گهربار آن شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

حافظ، شمس الدین محمد. ۱۳۶۸ش، **دیوان**، به تصحیح محمد غنی و محمد قزوینی، تهران: انتشارات طلوع.

دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۶ش، **لغتنامه**، تهران: انتشارات سیروس.

رودکی، ابو جعفر. ۱۳۶۹ش، **دیوان**، به تصحیح دکتر خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی علیشاه.

ریپکا، یان. ۱۳۸۲ش، **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات سخن.

سعدی، مصلح الدین. ۱۳۷۰ش، **بوستان**، به تصحیح دکتر محمد خزائی، تهران: انتشارات جاویدان.

شمیسا، سیروس. ۱۳۷۴ش، **سبک شناسی شعر**، تهران: انتشارات فردوس.

صائب تبریزی، محمد علی. ۱۳۶۶ش، **دیوان**، به تصحیح محمد عباسی، تهران: انتشارات طلوع.

صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۴ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۵، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.

صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۹ش، **فرهنگ تلمیحات**، تهران: انتشارات فردوس.

طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۶۳ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی، تهران: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

طبری، محمد. ۱۳۶۷ش، **ترجمه تفسیر طبری**، به تصحیح حبیب یغمایی، تهران: انتشارات طوس.

عادل، محمود. ۱۳۶۹ش، **لغتنامه قرآن کریم**، چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.

غفاری، ایران. ۱۳۷۸ش، **تأثیر قرآن در دیوان خواجه کرمانی**، چاپ اول، کرمان: انتشارات فرهیخته.

گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۱۳۸۲ش، **فرهنگنامه قرآنی**، چاپ اول، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. **تفسیر نمونه**، ۱۳۷۴ش، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

Bibliography

The Holy Quran

Interpretation of the Sample of the Holy Qur'an (1374) A group of writers, under the supervision of the researcher of Ayatollah Makarem Shirazi, Publishing House, Darolkotoboleslamiah, Thirteenth Edition, Tehran

Hafiz, Shamsaddin Muhammad (1368) *Divan*, Mosahehin: Mohammad Ghani-Mohammad Gozvini, Tolo Publishing, Tehran

Dehkhoda, Ali Akbar (1336) *Dictionary*, Sirous Publishing House, Tehran

- Rudaki, Abu Ja'far (1369) Correction: Dr. Khatib, Rahbar, Safi Alishah Publications, Tehran
- Ripka, Yan (1382) Iranian Literature History, Translator: Abolghasem Sari. Sokhan Publication, Tehran.
- Sa'di, Moslehoddin (1370) Boostan, Moderator, Dr. Mohammad Khazaeli, Javidan Publications, Tehran.
- Shamisa, Sirous (1374) Stylistics of Poetry, Ferdows Publications, Tehran.
- Saeb Tabrizi, Mohammad Ali (1366) Divan, Moderator: Mohammad Abbasi, Tolo Publishing, Tehran.
- Safa, Zabihollah (1364) Literature History in Iran, Ferdows Publication, J 5, First Printing, Tehran.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1363) Commentary on Al-Mizan, Translator: Seyed Mohammad Bagher Mousavi. Publications, Allameh Tabataba'i Scientific and Contemporary Foundation, Tehran.
- Tabari, Mohammad (1367) Moderator: Habib Yaghmaei, Tous Publishing House, Tehran.
- Adil, Mahmoud (1369) Dictionary of Holy Quran, Publications, Islamic Culture Office, First edition, Tehran.
- Ghaffari, Iran (1378) The Effect of the Qur'an in the Divan of Khajavi Kermani, Farhikhteh Kerman Publishing House, Kerman First Printing.
- Fani, Kamran (1364) Khorramshahi, Baha'addin, Thematic Culture of the Holy Qur'an, Culture Publishing, First Edition, Tehran.
- Quranic Encyclopedia (1382) Department of Culture and Literature, Islamic Studies Foundation, Publications: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, First Printing, Mashhad.